

پروازهایی که محکوم به سقوط است

باره ناگجاآبار

ریحانه اوسطی



نوجوانه

از قدیم‌الایام گفته‌اند «چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟!»، اما خب همان‌طور که از دنیای پر از پشیمانی ما پیداست، آدم‌ها بی‌توجه به این ضرب‌المثل، اول کارشان را می‌کنند. بعد که آب از سرشان

گذشت و خرشان از پل رد شد، تازه خاک‌ها را مشیت برسر می‌کنند که ای وای این چه کاری بود و حیفا و دریغا از عمر پریاد رفته‌مان! اینجا است که باید به آنها گفت: «وقتی جیک جیک مستونت بود، فکر زمستونت بود؟!»، حالا که شما تازه ابتدای جاده طویل و دراز زندگی هستید و می‌دانید که زندگی فقط صدسال اولش سخت است باید مسیری درست و با عاقبت اندیشی برای خود از میان خوبان برگزینید تا در نهایت زندگی‌تان به زمستان نخورد و پشیمانی به بار نیآورد. امروز و اینجا قرار است کارهایی را مرور کنیم که انجام دادنش، نوعی قمار با زندگی یکبارہ ماست.

پول کثیف

مادر فرهنگ مان پول حلال و حرام داریم و فرنگی‌ها هم پول تمیز و کثیف! در تمام فرهنگ‌ها، آدم‌ها به این‌که پول از کجا آمده باشد، حساس هستند و می‌دانند برخی پول‌هایی که از کار و کسب‌هایی که مجاز نیست و به زندگی دیگران آسیب می‌زند، آمده؛ خوردنش انگار دل آدمی را چرکین می‌کند. مثلاً فرض کنید به خانه کسی بروید که بفهمید قاچاقچی است و روزی گنجشکی همان کارگران کارخانه‌های داخلی را هم قطع

کرده، باز هم دل‌تان می‌آید حتی

اگر خاویار جلوی‌تان بگذارد

از آن بخورید؟! و بالعکس

اگر خانه کسی بروید که

بدانید یک معلم است

و با زحمت و عرق جبین

زندگی‌اش را می‌گذراند، نان

و پنیرش هم در دهان‌تان

مزه می‌کند. پس همیشه

شاخک‌های‌تان را

به این‌که از کجا پول

درمی‌آورید و با آن نان سر

سفره‌تان می‌برید، تیز کنید.



تاریک دنیا

این دسته آدم‌هایی که در هیچ مکانی هیچ‌گونه ارتباطی نمی‌گیرند را همه‌مان دیده‌ایم. سعی می‌کنند در لاک خودشان باشند و کاری به کار هیچ‌کس ندارند. حتی سعی در ساختن رابطه و شناختن دیگری که در همان اجتماع خودشان زندگی می‌کنند هم ندارند. اصولاً ما انسان‌ها چون در جامعه زندگی می‌کنیم، شکل دادن ارتباط‌های خوب، قطعاً پله‌های بیشتری برای رسیدن به قله مورد نظر برای مان فراهم می‌کند.

پس حتی اگر درون‌گراتر از

آدم‌های اطراف مان هستیم

هم سعی کنیم همیشه

ارتباطات قوی و محکمی

داشته باشیم. چون

آدم‌های خوب

در زندگی‌مان

سرمایه‌هایی

مهم‌تر از علم و پول

و جایگاه هستند.



سفر به فضا

حتماً اسم این زهرماری‌هایی که بدون سفینه شما را به فضا می‌برند به لطف مجازیات خوب بلدید. استفاده از این قرص‌ها و مواد از آن مسیرهایی است که محکوم به سقوط و شکست است، یعنی فرقی نمی‌کند که شما چقدر کنترل روی خودتان داشته باشید. چون اول شما آنها را استفاده می‌کنید و بعد آنها هستند که شما را استفاده می‌کنند، ذهن‌تان را، حال خوب‌تان را، عقلانیت‌تان را ... همه و همه را مصرف می‌کنند و فرصت تجربه‌هایی که هر انسانی باید در زندگی‌اش داشته باشد را از شما می‌گیرند. حتی برای تفریح و تفتن و «فقط همین یک باره» هم لطفاً سمتش نروید.



برداشتن یا دزدی؟

شاید فکر کنید دزدی فقط از دیوار خانه مردم بالا رفتن است. اما دزدی انواع متفاوتی دارد. مثلاً شامی‌ای که دوست‌تان را ۷۰۰ ساعت در محل قرار منتظر می‌گذارد تا خط چشم‌تان قرینه به نظر برسد، شما هم دزدید! دزد زمان ... یا دکترهایی که برای بیمارهای‌تان سرسری نسخه می‌پیچید، شما هم دزد هستید! دزد جان و سلامتی ... فامیل‌های محترمی که در سبزی پاک کردن‌های‌تان انواع و اقسام گناهان اکرم‌خانم را فقط

چون برای‌تان کادوی کوچک‌تری

آورده، می‌شوید و پهن می‌کنید.

شما هم دزد هستید! دزد آبرو ...

دزدی فقط دزدی مال و ثروت

نیست ... مایخی اوقات دزددهای

زندگی دیگران می‌شویم و خود

بی‌خبریم. اگر برای آبرو بردن

و تهمت زدن هم بازداشت

می‌شدیم، الان زندان‌ها همه

لب‌تالاب پر بودند اما حواس‌مان

را جمع کنیم که دزدی از جان، مال

و آبروی دیگران از آن مسیرهایی

است که محکوم به شکست است

و خیلی زود به قول امروزی‌ها

کارمایش را پس می‌دهیم.



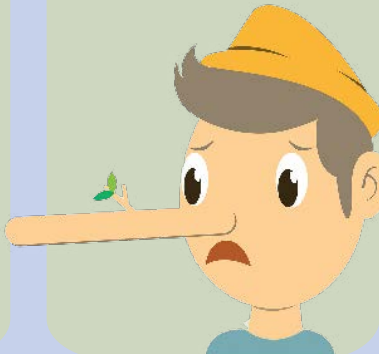
هدف وسیله را توجیه نمی‌کند!



فرض کنید برای به حیاط رفتن، دو مسیر دارید؛ یکی از پله‌ها و دیگری از پنجره. قطعاً اگر از پنجره به پایین بپرید، زودتر به حیاط خواهید رسید اما با پای شکسته! دقیقاً بعضی مسیرها هم برای رسیدن به هدف‌تان همین‌طور می‌ماند. شاید در ظاهر زودتر به هدف برسید اما بعدها در جایی که حتی فکرش را هم نمی‌کنید، چنان از عرش به فرش می‌خورید که خودتان هم انگشت به دهان خواهید ماند! این دنیای کوچک‌فندقی و حساب و کتاب دقیقش! به خصوص اگر حقوق دیگران را برای خودتان نردبان کنید تا با پا گذاشتن بر روی آن بالا بروید. مطمئن باشید نردبان سستی می‌شود و از زیر پای‌تان در خواهد رفت.

دروغ مصلحتی؟!

دروغ گفتن همیشه مسیری اشتباه است. چه برای رهایی از یک موقعیت بد باشد، چه برای فرار، چه برای فریب ... گاهی اوقات شاید به نظر برسد که الان دروغ بهترین گزینه است اما در همان لحظه کارتان را راه می‌اندازد و در بلندمدت ماجرا اصلاً آن‌طور که می‌خواهید، پیش نمی‌رود و به قول قدیمی‌ها «ماه پشت ابر نمی‌ماند». بالاخره حقیقت خودش را نمایان می‌کند و آن وقت شما می‌انید و حوض‌تان و اعتماد و وجهه‌ای که از خودتان پیش دیگران خراب کردید.



دوست تمام دنیا

در آن طرف نمودار تارکان دنیا، عده‌ای همیشه در هر قشر، صنف، نژاد و فرهنگی تعدادی دوست دارند و هر کس را که بگویی می‌شناسند. از بقال سر کوچه بگیر تا فلان کس در فلان وزارتخانه؛ داشتن ارتباطات بیش از حد، باعث می‌شود که ندانید هر آدمی در زندگی‌تان چه جایگاهی دارد و نتوانید وقت، زمان و انرژی برای آدم‌های مهم‌تر بگذارید. مهم‌تر از آن، زمان و انرژی برای خودتان ورشد و پیشرفت‌تان، چون گاهی ما به خلوت با خود و دور شدن و تلاش کردن نیازمندیم. پس لطفاً بیش از حد رابطه نسازید.

